

■ **احمد رضا صدری**

حماسه تاریخی و قیام ماندگار مردم قم در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ و در اعتراض به مقاله موهن روزنامه اطلاعات به ساحت رهبر کبیر انقلاب(قده)، از جمله نقاط عطف تاریخ انقلاب اسلامی است که روشن تر شدن ابعاد آن، پژوهش افزون تر تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی را می‌طلبد. در مقال پیش رو، پیامدهای این رویداد تاریخی، به سمدد یکی از تحلیل‌نگاشته‌های طیف روحانیون ایرانی‌سازی مبارز مقیم نجف بررسی شده است. امید آنکه مقبول افتد. ■ ■ ■

■ **جنگ برای «بقای کلمه توحید»**

پس از تغییر محل تبعید حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، گروهی از فضلا و طلاب حوزه قم که در اندیشه و عمل شیفته او بودند، برای همجواری و همراهی با آن بزرگ، از هر راه که می‌توانستند خود را به نجف رساندند. آنان در طول ۱۳ سال اقامت امام در نجف، با تلاش و تکاپوی مداوم خویش نقش مهمی در انتقال پیام انقلاب به ملت ایران و سایر کشورهای اسلامی ایفا کردند. شاید بتوان چهره‌های شاخص این طیف را حجج اسلام: سید محمود دعایی، شیخ محمد رضا ناصری، شیخ اسماعیل فردوسی‌پور، شیخ محمدحسن رحیمیان، سید حمید روحانی(زیارتی)، سید علی اکبر محتشمی‌پور، شیخ محمدعلی رحمانی و... دانست. این طیف در میان اطرافیان و علاقه‌مندان امام در نجف، گاه به انتشار سخنرانی‌ها و جزوات درسی امام نیز دست می‌زدند که آنچه هم‌اینک مستند ما در این مقال است، یکی از آنهاست.

در پی قیام مردم قم در نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶ و متعاقب آن قیام مردم تبریز در ۲۹ بهمن ماه همان سال، امام خمینی رهبر کبیر انقلاب در بیاناتی ضمن تمجید از حماسه قیام قم و تبریز، به ارائه راهبردهای خویش برای ادامه مبارزات مردم ایران پرداختند. طیف روحانیون ایرانی مبارز مقیم نجف بلافاصله به پیاده‌سازی و انتشار این سخنرانی تاریخی دست زد که چندی بعد در ایران و از سوی مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، در تیراژی وسیع منتشر شد. این جزوه، در صدر خویش مقدمه‌ای دارد که حاوی تحلیل این طیف از روحانیون از پیامدهای قیام ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ است. به احتمال قوی این دیباچه به قلم حجت‌الاسلام سید حمید روحانی(زیارتی) نگاشته شده، اما به واقع نمادی از اعتقادات و تحلیل‌های این طیف به شمار می‌رود. در آغاز این دیباچه آمده است:

«ملت شریف ایران و روحانیت زنده و بیدار، با الهام گرفتن از ایندولوی رهایی بخش و انقلاب‌آفرین اسلام، مردانه بیاخته‌است و به پیروی از رهبر بت‌شکن آیت‌الله العظمی جناب آقای خمینی (دامت بر کاته)، با طاغوت زمان شاه سفاک و دار و دسته‌اش قهرمانانه می‌جنگد و بی‌امان مبارزه می‌کند. ملت شجاع و روحانیت مسئول ایران برای بقای کلمه توحید: لااله‌الاالله و برقراری سوسیالیزم، خون خود را اهدا کرده و می‌کند و در راه حفظ و عظمت قرآن کریم و قوانین نجات‌بخش و زندگی‌ساز اسلام، می‌خروشد و جان بر کف، قیام می‌کند.

... و ضحاک زمان، برای تسکین موقت‌الام روحی و برقراری رژیم فاشیستی خود، ملت شرافتمند و حوزه‌های علمیه را به مسلسل می‌بندد، علما و طلاب محترم و جوانان و سربازان رشید اسلام را بی‌رحمانه می‌کشد و دیوانه‌وار خونشان را می‌ریزد و تخت و تاج لرزانش را بر اجساد پاک آنان بنا می‌نهد. حمله وحشیانه، به مدرسه فیضیه و غارت مدرسه و طلاب و قتل ۱۵ خرداد ۴۲ و ۱۷ خرداد ۵۴ و حمله‌های پی‌در پی، به دانشگاه‌ها و مراکز کارگری و بالاخره کشتار وحشیانه ۱۹ دی، شاهدین واقعیت است. رژیم فاسد و رسوای پهلوی، خیال می‌کرد با نشر اکاذیب و نوشتن تمهت‌های ناروا، می‌تواند دامن پاک قائل بزرگ و پیشوای محبوب مردم را، لکه‌دار نماید و از مقام رفیع و ارجمندش در انتظار بکاهد، غافل از آن‌که دست‌های آلوده آنان هرگز به اوج عظمتش راه نمی‌یابد، «پیردین لیطفنوا نور الله بفأوهیم و یأیی الله الان یتم نوره ولو کره الکافرون».

■ **فاجعه خونین ۱۹ دی، مطلع پیروزی**

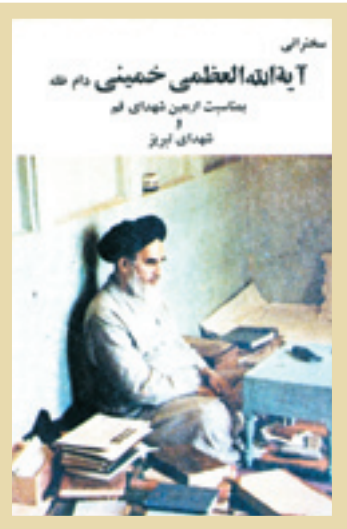
در ادامه این مقدمه، نویسنده به چیستی و چرایی قیام تاریخی ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ پرداخته و در مقام روایت پیامدها و وقایع بعدی آن می‌نویسد: «فاجعه خونین ۱۹ دی، پیامد نشر مقاله رسوا و سراپا دروغ، تهمت، خیانت و اهانت به مقام مقدس رهبر بزرگ ملت مسلمان ایران، امام خمینی و جامعه و روحانیت، در روزنامه اطلاعات بود و حوزوه علمیه به مردم غیور قم که تاب نشیدن و دیدن این یاوه‌ها را نداشتند، قیام کردند، و عملاً به یاوه‌سرایی‌های رژیم جواب گفتند. لیکن درخیم‌فرمان آتش داد و ملت بی‌پناه و طلاب بی‌سلاح را به مسلمانان سست و صدها کشته و مجروح به‌جای گذاشت. هم اکنون ۴۰ روز از این حمله وحشیانه و کشتار ددمنشانه مأمورین سفاک طاغوت زمان می‌گذرد، ۴۰ روز از شهادت سربازان فداکار اسلام و جانبازان مکتب قرآن و فرزندان امام خمینی می‌گذرد و هنوز مدرسه‌های حجتیه و خان و خیابان‌ها و کوچه‌های شهرستان مذهبی قم، از خون طلاب حوزه علمیه و جوانان غیور و فرزندان رشید اسلام گلگون است و این سرخی اصیل و ثابت تشیع است که هر صبح و شام در افق می‌درخشد و رنگ نمی‌یازد. ۴۰ روز است، ملت مسلمان ایران در سوگ شهادت علما، طلاب، دانشجویان و عزیزی که جان خود را در یورش وحشیانه مأمورین شاه خونخوار، در ۱۹ دی از دست دادند، عزادارند و روز شنبه دهم ربیع‌الاول ۹۸ برابر ۲۹ بهمن ماه ۵۶، مصداق باربعین این فاجعه خونین از سوی علمای اعلام، تعطیل عمومی حوزه‌های علمیه و عزای ملی، اعلام گردید و مردم حق شناس و مسلمان ایران به پاس احترام شهدای شهیدان و شهراهایی چون قم، تبریز، شیرانات تعطیل سراسری نموده و اکثر بازارهای تهران، قزوین، همدان، مشهد، اصفهان، شیراز و... تعطیل گردید و مردم عملاً از فداکاری، شهامت، شجاعت شهدای قم در تجلیل به عمل آوردند. آری در سراسر ایران، ملت اسلام در مساجد و تکایا مجلس عزا و بزرگداشت بر پا کرده و در بعضی از شهرها دست به تظاهرات اسلامی زدن که شورانگیزترین آن، در سرزمین آزادگان، آذربایجان شرقی

بود؛ بار دیگر مردم غیور و بالیسان تبریز، خون‌های پاک عزیزان خود را برای آبیاری درخت بارور انقلاب اسلامی نثار کردند و این روز افتخارآفرین را به نام خود ثبت نمودند.»

■ **امام خمینی و آغاز موج جدید انقلاب**

در ایران

این مقال ابتدایی، از آن روی که پیش از سخنرانی امام درباره پیامدهای قیام ۱۹ دی به چاپ رسیده، قاعدتاً تصویری از منش رهبر کبیر انقلاب در مواجهه با این رویداد در آن روزها را به دست می‌دهد. در ادامه این دیباچه در این باره آمده است: «امام خمینی جلسه درس را در نجف‌اشرف به مجلس بزرگداشت و تمجید از کشتگان قم اختصاص دادند و سخنرانی پر محتوای، جامع و سازنده‌ای ایراد فرمودند، بیانات معظم‌له، افق تازه‌ای در تاریخ حیات ملت ایران می‌گشاید و پرده از روی نقشه‌ها و توطئه‌های پنهانی استعمارگران برمی‌دارد. امام خمینی، در آغاز سخن، مجاهدات و فداکاری‌های دانشجویان علوم اسلامی و مسلمانان رشید ایران به ویژه پایمردی و شجاعت مردم دلیر قم را ستودند و از آنان به عنوان مسلمانان واقعی و سربازان فداکار اسلام، یاد کردند و آنگاه به زنده بودن و حیات انقلابی ملت ایران و حوزه علمیه قم اشاره نموده و فرمودند: این زنده بودن تا بید، ثبت است و هرگز محو نمی‌شود، چراکه زندگی حیوانی، با سیری شدن عمر فانی می‌شود، اما حیات انقلابی در



فضای از چلد اضلأت مردمی در پی رویداد ۱۹ دی منتشر شد



در پی قیام مردم قم در نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶ و متعاقب آن قیام مردم تبریز در ۲۹ بهمن ماه همان سال، امام خمینی رهبر کبیر انقلاب در بیاناتی ضمن تمجید از حماسه قیام قم و تبریز، به ارائه راهبردهای خویش برای ادامه مبارزات مردم ایران پرداختند. طیف روحانیون ایرانی مبارز مقیم نجف بلافاصله به پیاده‌سازی و انتشار این سخنرانی تاریخی دست زد که چندی بعد در ایران و از سوی مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، در تیراژی وسیع منتشر شد



«پیامدهای قیام تاریخی ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶» در آینه تحلیل روحانیون ایرانی مبارزِ مقیم نجف

استقلال و آزادی را در پرتو قرآن می‌خواهیم

پرتو عقیده و جهاد پس از شهادت فروغش فزون تر و تاآلواش بیشتر می‌گردد. امام خمینی سپس به توطئه دیگر استعمارگران اشاره فرمودند که در طول تاریخ، با عناوین فریبنده و خوش‌نما که در واقع جز فریب و تیرنگ چیزی نیست، ملل ستمدیده و مستضعف را اغفال کرده، در عالمی رؤیایی و خیالی سال‌ها، اسیر توهمات بی‌اصل و وعده‌های پوشالی و بی‌اساس نموده، با تخیدر می‌ملت، تمام منابع حیاتی آنان را به بیغا برده و می‌برند و بر این اساس، می‌بینیم که استعمارگران، خود پیشگامان، بانیان و مدافعان این عناوین هستند: آزادی بشر و دفاع از حقوق بشر، مبارزه با برده‌داری و ولکن تنها در عالم عنوان و لفظ و نه در عینیت و خارج، تا در زیر پوشش این عناوین فریبنده، کلیه حقوق اولیه انسان بیانات معظم‌له، افق تازه‌ای در تاریخ حیات ملت ایران می‌گشاید و پرده از روی نقشه‌ها و توطئه‌های پنهانی استعمارگران برمی‌دارد. امام خمینی، در آغاز سخن، مجاهدات و فداکاری‌های دانشجویان علوم اسلامی و مسلمانان رشید ایران به ویژه پایمردی و شجاعت مردم دلیر قم را ستودند و از آنان به عنوان مسلمانان واقعی و سربازان فداکار اسلام، یاد کردند و آنگاه به زنده بودن و حیات انقلابی ملت ایران و حوزه علمیه قم اشاره نموده و فرمودند: این زنده بودن تا بید، ثبت است و هرگز محو نمی‌شود، چراکه زندگی حیوانی، با سیری شدن عمر فانی می‌شود، اما حیات انقلابی در

پرتو عقیده و جهاد پس از شهادت فروغش فزون تر و تاآلواش بیشتر می‌گردد. امام خمینی سپس به توطئه دیگر استعمارگران اشاره فرمودند که در طول تاریخ، با عناوین فریبنده و خوش‌نما که در واقع جز فریب و تیرنگ چیزی نیست، ملل ستمدیده و مستضعف را اغفال کرده، در عالمی رؤیایی و خیالی سال‌ها، اسیر توهمات بی‌اصل و وعده‌های پوشالی و بی‌اساس نموده، با تخیدر می‌ملت، تمام منابع حیاتی آنان را به بیغا برده و می‌برند و بر این اساس، می‌بینیم که استعمارگران، خود پیشگامان، بانیان و مدافعان این عناوین هستند: آزادی بشر و دفاع از حقوق بشر، مبارزه با برده‌داری و ولکن تنها در عالم عنوان و لفظ و نه در عینیت و خارج، تا در زیر پوشش این عناوین فریبنده، کلیه حقوق اولیه انسان بیانات معظم‌له، افق تازه‌ای در تاریخ حیات ملت ایران می‌گشاید و پرده از روی نقشه‌ها و توطئه‌های پنهانی استعمارگران برمی‌دارد. امام خمینی، در آغاز سخن، مجاهدات و فداکاری‌های دانشجویان علوم اسلامی و مسلمانان رشید ایران به ویژه پایمردی و شجاعت مردم دلیر قم را ستودند و از آنان به عنوان مسلمانان واقعی و سربازان فداکار اسلام، یاد کردند و آنگاه به زنده بودن و حیات انقلابی ملت ایران و حوزه علمیه قم اشاره نموده و فرمودند: این زنده بودن تا بید، ثبت است و هرگز محو نمی‌شود، چراکه زندگی حیوانی، با سیری شدن عمر فانی می‌شود، اما حیات انقلابی در

■ **مگر با برقراری رژیم پهلوی، حکومت اسلامی تحقق می‌یابد؟**

واپسین بخش از این بیانیه به بیان آرمان‌های نهضت امام خمینی و تمایزات آن با ایده و آرمان برخی از مدعیان مبارزه سیاسی در آن دوران اختصاص دارد. توضیح اینکه در آن دوره، پاره‌ای از گروه‌های سیاسی – که عمدتاً از گروه‌های ملی‌گرا یا وابسته تشکیل می‌یافت – تلاش داشتند خواسته کلان و ملی براندازی رژیم پهلوی را به اجرای قانون اساسی مشروطیت اینکه در آن دوره، پاره‌ای از گروه‌های رژیم شاه را بر سرپا نگه دارند. بخش پایانی دیباچه روحانیون ایرانی مبارز مقیم نجف بر سخنرانی تاریخی امام خمینی را این‌نس نکته به خود اختصاص داده است:

«مگر با رمز به رسمیت‌دادن و اجرای قانون اساسی که متکفل مصونیت شاه‌است و در ستار فریبنده این کتاب متروک، قانون اساسی که دودمان درخیم پهلوی ۵۰



پس از تغییر محل تبعید حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، گروهی از فضلا و طلاب حوزه قم که در اندیشه و عمل شیفته او بودند، برای همجواری و همراهی با آن بزرگ، از هر راه که می‌توانستند خود را به نجف رساندند. آنان در طول ۱۳ سال اقامت امام در نجف، با تلاش و تکاپوی مداوم خویش نقش مهمی در انتقال پیام انقلاب به ملت ایران و سایر کشورهای اسلامی ایفا کردند

سال جان، مال، ناموس، استقلال و آزادی ملت ایران را در ستار آن بازیچه اغراض پلید استعمارگران شرق و غرب قرار داده است، می‌شود قوانین رهایی‌بخش اسلام و قرآن، در کشور امام صادق(ع) (ایران) اجرا گرد؟! البته ملت ایران به پیروی از رهبر آگاه، بدان جهت قانون اساسی را مورد حمله قرار می‌دهد که اثبات‌کننده سلطنت رژیم مذور پهلوی است. ملت مسلمان ایران حکومت اسلام می‌خواهد، نه حکومت شاه. ملت مسلمانان ایران حکومت قرآن می‌خواهد، نه حکومت قانون اساسی اثبات‌کننده این دودمان کثیف‌اخوندهای شهدای ۱۵ خرداد ۱۷، ۱۷، ۴۲ خرداد ۵۴ و شهدای ۱۹ دی ۵۶ و شهدای فیضیه و شهدای ۲۹ بهمن ۵۶ و کلاف سردرگم نیست، اگر فکر می‌کند، اعم از دانشجویان دانشگاه‌ها و بازرگانان و کشاورزان و کارگران و دانشجویان علوم اسلامی در طول مبارزات اسلامی ملت ایران، به رهبری خردمندانه امام خمینی، خونبهای تمام این شهیدان، استقرار حکومت اسلامی و اجرای قوانین آزادی‌بخش قرآن و استقلال کشور و آزادی ملت ایران است. ما تحت رهبری مدبرانه امام خمینی مبارزات خود را نخست چنین آغاز نموده و هم اکنون ادامه می‌دهیم:

۱-نومن بالله و تکفر بالطاغوت، مبارزه در چارچوب اسلام و همکاری با گروه‌های صدرصد پایبند به اسلام و علاقه‌مند به مسلمین و فریب و تیرنگ گروه‌های غیرعالمقدرد، انخوردن و تولی و تبسری را در اوصال اساسی در برنامه مبارزات خود دانستن، زیرا ما دیدیم در اثر غفلت از این دو اصل چه خنجرهایی از پشت به نهضت اسلامی وارد آمد و چه خیانت‌هایی به ملت ایران گردید.

۲- تمرکز مبارزات در سرنگونی نقطه اصلی جرم و سر منشأ همه مفاسد شاه».

۳-استقرار «حکومت اسلامی».

۴-مبارزه برای سرنگونی عواملی که استقرار حکومت اسلامی را ولو برای مدتی کوتاه به تأخیر اندازد، ما ضمن قدردانی و تشکر از فداکاری‌های ملت ایران، این مصیبت‌ها را به امام زمان (عج) و نایب آن حضرت، رهبر عالمقدرد، تسلیت و تولی و تبسری را در اوصال اساسی در برنامه مبارزات خود دانستن، زیرا ما دیدیم در اثر غفلت از این دو اصل چه خنجرهایی از پشت به نهضت اسلامی وارد آمد و چه خیانت‌هایی به ملت ایران گردید.

۱۵ خرداد ۱۷ و ۴۲ خرداد ۱۹ و ۵۶ دی ۵۶ و ۲۹ بهمن ۵۶ و دیگر شهدای انقلابی و مسلمان جاوید باد رهبر انقلاب ایران امام خمینی اسرنگون باد رژیم فاشیستی شاه، زدارم منطقه و نوکر امپریالیسم امریکا».

پیش‌خوارات

نظری بر یادمان نوانتشار مرحوم آیت‌الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی اوصاف «معلم اخلاق» تهران

■ **شاهد توحیدی**



«حاج آقا مجتبی» عنوان ساده و گویایی است برای یک یادنامه که از سوی مؤسسه نشر «مصباح‌الهدی» – که متولی آثار آیت‌الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی است- نشر یافته است. این دفتر دربردارنده پاره‌ای خاطرات شاگردان و معاشران آن عالم ربانی است که به گونه‌ای موضوعی تدوین یافته است. ناشر در دیباچه‌ای بر این یادمان آورده است:

«العلمان صالح میراث‌دار انبیایند، سر در آسمان دارند و پای در زمین. در دستنی کتاب را چون مشعل هدایت برافروخته‌اند و دست دیگر را به باری گمشگستان برآورده‌اند. عهده‌ی که از ازل کرده‌اند، دستگیری بندگان خداست و پیمانی که بسته‌اند هدایت و راهنمایی به سوی سفینه نجات است. یکی از مردان بزرگ و فرزانه که تجلی بارز و آینه تمام‌نمای این عالمان صالح بود، حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی را به این صفات شناخته‌ایم. دانشمندان و فقیه آگاه و خدمگزاری که در تهران با مردم و برای دینداری مردم زندگی می‌کرد و چنان با ما نزدیک و راحت بود که او را به سادگی و صمیمیت «حاج آقا مجتبی» می‌خواندیم. مردی الهی که بسیاری از ما حتی تا زمان از تحال حسرت‌انگیزش، به ابعاد گوناگون شخصیت والای او آگاه بودیم. پرهیز شدید ایشان از معرفی و تجلی خود، باعث شده بود تا – جز برای خواص – معمولاً به امتیازات و برجستگی‌های خاص شناخته‌شده نباشد و همین موضوع، اهمیت معرفی آن استاد اخلاق و فقیه عارف را دوچندان می‌کرد و نیاز مخاطب عام به عرضه آثاری در جهت تبیین ابعاد مختلف شخصیتی ایشان را به چشم می‌آورد. مؤسسه پژوهشی-فرهنگی مصباح‌الهدی که به تازگی با



■ **رهبر معظم انقلاب در عیادت از آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی**

گاهی سفر هم پیش می‌آید و مراجعات دارید؛ متأسفانه با رحلت حاج‌آقا این اتفاق نیفتاد و کتاب همچنان ماند.»

در بخش دیگری از این یادنامه فرزند استاد جناب حجت‌الاسلام حسین تهرانی در باب شکل تعامل پدر با رهبری و جایگاه ولایت فقیه می‌گوید: «ایشان چه در زمان امام و چه در زمان بعد از امام بارها و بارها می‌گفتند: «من پیش رهبری می‌رفتم و آنچه که به نظرم می‌رسید می‌گفتم و صحبت و خیرخواهی می‌کردم. مثلاً در اینجا این اشتباهات هست و به نظرم راه‌حلش هم این است.» ایشان می‌گفت که در این اواخر هم دو یا سه دفعه این جمله را گفت: «من از این جهت یک مقدار وجدانم پیش خودم آسوده‌خاطر است که در آخر اگر از من پرسیدند، تو با این آبرو، حیثیت و وجهه‌ای که در جامعه داشتی و می‌دانستی این ایرادات و اشتباهات و نواقص هست چرا نرفتی و بگویی؟» بتوانم بگویم: «من رفتم و گفتم، وظیفه من گفتن بود که با دید باز می‌دیدم و راه‌حلش را هم گفتم. حالا عمل کردنش و تبیین و اصلاح کردنش با آنها.» هیچ گونه حاکم شرع محکم بود و در این هیچ تردید و رهایی نسبت به ایشان گفته بودند: «حاج آقا خوب می‌فهمد.»

هدف نشر آثار معظم‌له شکل گرفته بود، کوشید تا با شتاب و سرعت در عین رعایت ظرافت‌ها و تفاهات لازم، در فرصت اندک قبل از چهلمین روز در گذشت آن استاد فرزانه، مجموعه‌ای را فراهم آورد و به ارادتمندان آن بزرگوار تقدیم کند. استقبال گسترده از این مجموعه، نیاز و خواست عمومی نسبت به چنین آثاری را بیشتر نشان داد و بر همین اساس مؤسسه کوشید تا هم‌زمان با برنامه‌ریزی جهت آماده‌سازی عناوین فرعی و تفصیلی جهت نشر در نخستین سالگرد ارتحال حضرت آیت‌الله‌العظمی تهرانی، کتاب «حاج آقا مجتبی» را با تجدید نظر و اعمال برخی ملاحظات و اضافه کردن چندین خاطره منتشر کند.»

پس از دیباچه‌اثر از آن مرجع فقید زندگینامه‌ای مختصر تدوین گشته که در بخش پایانی آن، در باب تلاش‌های آن فقیدسعید در دوران پس از

پیروزی انقلاب آمده است:

«بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با آغاز ولایت و زعامت حضرت روح‌الله، همچنین با توجه به سوابق در خشان و مراودات حضرت استاد با امام امت، انتظار می‌رفت که ایشان یکی از مسئولان نظام اسلامی شوند و گوشه‌ای از بار این انقلاب را به دوش بکشند. اما بنا به فرموده خودشان، ایشان با دعا به درگاه خدای متعال و توسل به حضرات معصومین خود را از قبول مسئولیت‌های اجرایی کنار کشیدند؛ در حالی که ایشان دارند در صحنه نیروسازی برای انقلاب، همچنان به صورت گمنام و مؤثر به تربیت نیروهای جوان و کارآمد برای انقلاب اسلامی پرداختند. ایشان درس خارج خود را در سال ۱۳۵۷ هـ.ش کردن تولیت مدرسه مروی توسط آیت‌الله مهدوی‌کنی، این درس را مجدداً در مدرسه مروی آغاز کردند. جلسات درس خارج ایشان مملو از طلاب سطوح عالی بود که برای انجام وظیفه به تهران آمده بودند و از فضای علمی قم فاصله داشتند. این جلسات انقدر مفید و